



به نام خدای هنر آفرین
هنر آموزان، هنر جویان. آینده سازان پر تلاش!
سلام
با آرزوی سلامت و سعادت روز افزون برای شما عزیزان، سپاسگزاریم که همچنان با ماهنامه خودتان، ارتباطی صمیمانه دارید و تلاشتان در پربارتر شدن آن، قابل تقدیر است.
در این شماره هم در حد وسع صفحه، به نشر مطلبی چند از مطالب ارزنده شما همراهان می پردازیم.

اشتباه است. مثل این است که بگویم برای راه اندازی یک رستوران، فقط لازم است شما عاشق غذا خوردن باشید! شما باید مطمئن باشید که مهارت های لازم را در زمینه کار مورد نظر دارید. داشتن شناخت کافی از کسب و کاری که قرار است آن را شروع کنید بسیار مهم است و گرنه باید هزینه های زیادی را بابت خطا و دوباره کاری بپردازید. شما باید مشتاق یادگیری باشید. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که همه چیز می داند. پس قبل از ورود به کسب و کار، برای یادگیری آن اقدام کنید.

← ناهید شیخه پور که یک بانوی روشندل است، از کرمانشاه:

«من مطمئن بودم که با چشم های بسته هم می توان به کسب مهارت پرداخت و در حرفه ای وارد و موفق شد. از همین رو به جای نشستن و زانوی غم بغل کردن، سراغ صنایع دستی رفتم و در رشته های خیاطی، گلیم بافی و سرگل دوزی، مهارت به دست آوردم. بعد هم تصمیم گرفتم قالی بافی را به طور حرفه ای شروع کنم. یک ماهه توانستم فوت و فن این کار را بیاموزم و با استفاده از خط بریل و لمس تار و پودهای قالی، به بافت تابلو فرش پرداختم. حتی الان هنرآموزهایی نیز دارم.»

← بله انسان اگر بتواند توان نهفته خود و عظمت درونش را کشف کند و آن را به کار ببندد، راه رسیدن به موفقیت برایش امکان پذیر می شود.
برای شما بانوی روشندل و پر تلاش، آرزوی موفقیت های روز افزون داریم.

← مسعود شال بافان از سمنان:

«قبل از اینکه به هنرستان بروم، عمویم همیشه به من پیشنهاد می کرد به هنرستان بروم و حرفه ای بیاموزم تا بتوانم کسب و کاری راه بیندازم و روی پای خودم بایستم. او می گفت: «من بعد از اینکه از رشته الکترونیک هنرستان فارغ التحصیل شدم، دنبال نصب، راه اندازی و تعمیرات دستگاه های تکثیر و اسکناس شمار رفتم و چهل سال در این کار بودم، حالا هم که مغازه ام را واگذار کردم و در خانه نشسته ام، مشتری های سابق دست از سرم بر نمی دارند و تلفن می زنند که بیا نگاهی به دستگاه تکثیر ما بباندا. حالا خوشحالم که به حرف او گوش دادم و در رشته الکترونیک، مهارت آموزی می کنم.»

← به قول سعدی:

«نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند
جووانان سعادت مند، پند پیر دانا را.»
موفق باشید

← حمید شنتیایی هنرآموز رشته سفالگری از تهران:

یکی از شخصیت های اصلی رمانی قدیمی، آدمی خود ساخته و باتجربه است که از نوجوانی سراغ مهارت آموزی می رود و عمری را در حرفه های گوناگون می گذراند؛ از کار در کارگاه سفالگری تا معدن زغال سنگ.
او درباره سفالگری می گوید:

«یک وقت هم کوزه گر بودم. من این کار را دیوانه وار دوست داشتم. هیچ می دانی که آدم یک مشت گل بردارد و از آن هر چه دلش بخواهد درست کند یعنی چه؟ فررررر! چرخ را می گردانی و گل هم شگرف و شوق انگیز با آن می چرخد، ضمن اینکه تو بالای سرش ایستاده ای و می گویی: الان کوزه می سازم، الان بشقاب درست می کنم. الان چراغ می سازم، و خلاصه هر چه دلم بخواهد می سازم. به این می گویند تجلی اراده آدمی و آفرینندگی.»

← ممنون از شما به خاطر مطلب ارزشمندی که برای ماهنامه فرستادید. بله هنر جلوه اراده و احساس آدمیزاد است و از همین رو حافظ می گوید:

«قلندران حقیقت به نیم جو نخرند
قبای اطلس آن کس که از هنر عاریست.»
در قابوس نامه هم آمده است:
«و آگاه باش که مردم بی هنر مادام بی سود باشند، چون مغیلان که تن دارد و سایه ندارد.»
موفق باشید

← ترانه پارسایی از اندیمشک:

«هر روز تعدادی پیامک می رسد با این مضمون که بدون داشتن مهارت، ما از شما کار آفرین می سازیم. آیا چنین کاری امکان دارد؟»

← بعضی ها ممکن است به شما بگویند لازم نیست در یک زمینه کسب و کار متخصص باشید تا در آن موفق شوید اما کاملاً